MEJDS. 2022; 12:211.

Published online 2023 Feb. **Original Article**

Representation of Persons With Disability in Iranian Media

Abdosamadi A[1],*Masoudi OA[2], Mohammadtaheri MR[3]

Author Address
1. PhD Student in Media Administration, Faculty of Communication and Media Sciences, Islamic Azad University of Tehran Central Branch, Tehran, Iran;
2. Director of Propaganda and Cultural Communication, Soore University, Tehran, Iran;
3. Communication Sciences and Journalism Department, Islamic Azad University of Tehran Central Branch, Tehran, Iran.
***Corresponding Author Email**: masoudi@soore.ac.ir

Received: 2021 May 29; **Accepted:** 2021 May 15

Abstract

Background & Objectives: People with disabilities always face challenges in social fields, as well as in personal fields and social characterization .Despite the presence of millions of people with disabilities in the country, the official media, except for a handful of cases, have not paid sufficient attention to this section of society. In other words, regarding representing people with disabilities in the selected media, they have not followed the law or written instructions. Despite the activities carried out to cover the news and activities of people with disabilities in the media, the lack of media space is still clearly visible both in radio and television, in the performing arts space, theater and cinema, as well as in news agencies. Nowadays, Iranian media have poor attention to this important and non–written mission. So, this research was conducted to know the representation of people with disabilities in Iranian media.

Methods: The research method of this article is qualitative, based on Grounded theory and the main research tool is the deep semi–structured interview. Iranian media elites were targeted for interviews. In this article, media elites are defined as persons with at least 10 years of experience or who have a master's degree and higher university studies with lower experiences. Four experts were selected for the interview. These experts were all men. The validity of actual research is based on triangulation and two theories as labeling theory contributed by Goffman in 1963 and usage and gratification theory contributed by Katz and Blumer in 1974. Theories were selected for catching the validity of actual research.

Results: The results of the actual research were based on the semi–structured interview and are presented as opening coding, axial coding, and selective coding table. The findings emerged in the form of 13 subcategories and 6 main categories informing society to how to behave about persons with disability circumstances, informing and pedagogy of persons with disability about their capability, defining exact policies for media toward disabled people, categorizing the needs of persons with disability, using disabled people in the administration of media, publishing news of disable people in journals and news agencies, designing cinemas and theatres for using of persons with disability and using of persons with disability in artistic productions as theatre, cinema, and TV series were the main topics coded in three steps coding in actual research.

Conclusion: According to the results, the establishment of TV and radio stations, assigning of a section of news agencies and journals agenda to the persons with disability and applying this sort of persons through theatre and movies can improve the social situation of these people.

Keywords: Person with disability, Disability, Media, Radio and TV, Cinema, Theatre, News agencies, Journals.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-09]

Copyright © 2022, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۴۰۱؛ (۱۲):۲۱۱.

انتشار برخط بهمن ۱۴۰۱ مقاله پژوهشی اصیل

شناخت بازنمایی افراد دارای معلولیت در رسانه‌های ایران

علی عبدالصمدی[۱]، *امیدعلی مسعودی[۲]، محمودرضا محمدطاهری[۳]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، گروه مدیریت رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

۲. مدیر گروه تبلیغ و ارتباطات فرهنگی، دانشگاه سوره، تهران، ایران؛

۳. استادیار گروه علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** masoudi@soore.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳ فروردین ۱۴۰۰؛ **تاریخ پذیرش:** ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

چکیده

زمینه و هدف: رسانه‌ها نقش بسزایی در آموزش افراد دارای معلولیت و نیز آموزش سایر افراد جامعه درقبال افراد دارای معلولیت، ایفا می‌کنند. رسانه‌های امروز کشور کمتر به این رسالت مهم توجه داشته‌اند. این تحقیق با هدف شناخت بازنمایی افراد دارای معلولیت در رسانه‌های ایران انجام شد.

روش‌بررسی: پژوهش با رویکرد کیفی و با روش گراندد‌تئوری (داده‌بنیاد) انجام گرفت. به‌منظور نیل به هدف پژوهش، ابزار مصاحبهٔ عمیق نیمه‌ساختاریافته به‌کار رفت. با یازده نفر از خبرگان رسانه‌ها در ایران مصاحبه شد. منظور از خبرگان رسانه در این پژوهش افرادی بودند که حداقل ده سال سابقهٔ کار رسانه‌ای ازجمله مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو و تلویزیون داشتند یا در صورت داشتن تجربهٔ کمتر از تحصیلات کارشناسی‌ارشد یا بیشتر مرتبط با حوزهٔ رسانه برخوردار بودند. همچنین برای اعتباربخشیدن به تحقیق از تکنیک مثلث‌سازی و دو نظریهٔ «برچسب‌زنی» و «استفاده و رضامندی» استفاده شد. کدگذاری سه‌گانه (مضمون و زیرمضمون و کد) برای تحلیل محتوای مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته به‌کار رفت.

یافته‌ها: یافته‌ها در قالب سیزده زیرمقوله و شش مقولهٔ اصلی ظهور یافت. سیاست‌گذاری رسانه‌ای، شناسایی نیازها، آموزش عمومی، آموزش افراد دارای معلولیت، بازتاب اخبار افراد دارای معلولیت و گسترش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رسانه‌های نمایشی برای افراد دارای معلولیت به‌عنوان مقوله‌های اصلی مشخص شدند.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش، تأسیس شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی، تخصیص بخشی از اخبار خبرگزاری‌ها به جمعیت معلول کشور و به‌کارگیری هنرمندان دارای معلولیت در عرصه‌های هنرهای نمایشی تئاتر و سینما می‌تواند موجب بازنمایی بهتر و ارتقای سطح اجتماعی زندگی افراد دارای معلولیت شود.

کلیدواژه‌ها: افراد دارای معلولیت، معلولیت، رسانه، رادیو و تلویزیون، سینما، تئاتر، خبرگزاری، مطبوعات.

حق انتشار محفوظ است © ۱۴۰۱، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-09]

۱ مقدمه

گرجی ازندریانی و شیرزاد نظرلو در پژوهشی با بررسی جایگاه حقوق معلولان در حوزهٔ حقوق شهری، براساس تعریفی که در قانون جامع حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، مفهوم معلولیت را این‌گونه بیان کردند: «معلول به افرادی اطلاق می‌گردد که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعهٔ جسمی، ذهنی، روانی یا توأم، اختلال مستمر و قابل‌توجهی در سلامت و کارایی عمومی آن‌ها ایجاد گردد؛ به‌طوری‌که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود» (۱).

براساس اعلام سازمان بهزیستی کل کشور، شناسایی یک‌میلیون و سیصد هزار نفر از افراد دارای معلولیت در کشور صورت گرفته است (۲)؛ البته باید این نکته را اضافه کرد که احتمالاً افراد دارای معلولیتی نیز هستند که یا توسط بهزیستی شناسایی نشده‌اند یا خودشان به این سازمان اعلام نکرده‌اند. اگر جانبازان نیز نوعی دارای معلولیت به‌شمار آیند، بنا بر اعلام بنیاد شهید و امور ایثارگران، درمجمع بالغ بر دومیلیون نفر از افراد دارای معلولیت و جانباز در سطح کشور زندگی می‌کنند (۳) که البته این معلولیت‌ها می‌تواند جنبهٔ فیزیکی و نیز جنبهٔ ذهنی و روانی یا در پاره‌ای از موارد هر دو را شامل شود. باوجود آمار میلیونی افراد دارای معلولیت در کشور، رسانه‌های رسمی به‌جز موارد انگشت‌شمار، هیچ توجهی به این قشر از جامعه نداشته‌اند و درعمل بازنمایی افراد دارای معلولیت در رسانه‌های انتخاب‌شده از قانون یا دستورعمل مدونی پیروی نمی‌کند. باوجود فعالیت‌های صورت‌گرفته در راستای پوشش اخبار و فعالیت‌های افراد دارای معلولیت در رسانه‌ها، همچنان کمبود فضای رسانه‌ای چه در صدا و سیما و چه در فضای هنرهای نمایشی تئاتر و سینما و نیز در خبرگزاری‌ها به‌وضوح دیده می‌شود. تخصیص فضای رسانه‌ای مناسب برای پوشش اخبار، آموزش و فرهنگ‌سازی درقبال افراد دارای معلولیت در سپهر رسانه‌ای کشور شاید عامل اصلی‌تر در راستای بهبود شرایط اجتماعی افراد دارای معلولیت در کشور باشد که چندان مدنظر برنامه‌سازان رسانه‌ای قرار نگرفته است.

امروزه با رشد کمی و کیفی رسانه‌های مختلف، شیوهٔ آموزش اجتماعی و شخصیت‌سازی افراد دستخوش تغییرات متعددی شده است. رسانه‌های گوناگون با طرح مسائل مختلف و قراردادن آن‌ها در جریان اصلی خود سعی دارند تا موضوعی خاص را برجسته کنند و درنهایت به هدف مدنظر خود برسند. کارادومان با بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر شخصیت‌پردازی در سطوح بالای اجرایی، چنین نتیجه گرفت که رابطهٔ معناداری برای کمک به عمل و ادبیات در شخصیت‌پردازی در رسانه‌های اجتماعی بسیار نوظهور و رو به رشد وجود دارد. همین موضوع زمینه‌ساز سطح گسترده‌ای از انجام پژوهش‌ها است. مانند دیگر ابزارها در رسانه‌های اجتماعی، شخصیت‌پردازی نیز نقطهٔ جذابیت‌آفرین اشخاص و شرکت‌ها است. نتایج این مطالعه نشان داد، رسانه‌های اجتماعی موقعیت‌های بسیار خوبی برای شخصیت‌پردازی به‌وجود آورده‌اند (۴).

یکی از اقشاری که در زمینه‌های اجتماعی و نیز در زمینه‌های شخصی و شخصیت‌سازی اجتماعی همواره دچار چالش بوده‌اند، افراد دارای معلولیت هستند. رسانه‌ها درقبال افراد دارای معلولیت که البته انواع مختلفی دارند، مسئولیت‌های مختلفی برای خود متصور شده‌اند. اطلاع‌رسانی، آموزش، ایجاد سرگرمی برای افراد دارای معلولیت و نیز آگاه‌سازی سایر اقشار جامعه دربارهٔ کم و کیف زندگی معلولان، رسالت مهم‌تر هر رسانه‌ای درقبال افراد دارای معلولیت به‌شمار می‌رود. کمبود و گاهی نبود فضای مناسب رسانه‌ای برای زیر پوشش قراردادن فعالیت‌های مربوط به قشر افراد دارای معلولیت جامعه به‌وضوح دیده شده و درعمل مسائل مربوط به این قشر از جامعه در جریان اصلی رسانه‌ها قرار نگرفته است؛ ازجمله دلایل این امر، فقدان الگویی مناسب برای فعالیت‌های رسانه‌ای برای بازنمایی افراد دارای معلولیت است. افتخار و سلطانی‌فر در پژوهش خود با بررسی انعکاس معلولیت در آثار سینمایی براساس الگوی معلولیت، با ارزیابی نقش‌های افراد دارای معلولیت در آثار نمایشی اعم‌از سینما و تلویزیون چنین نوشتند: «تا همین اواخر نیز، فیلم‌های محبوب، افراد دارای معلولیت را در نقش افرادی که زندگی خوبی داشته و مشارکت فعالانه در زندگی اجتماعی دارند، به تصویر نکشیده است. به‌علاوه فیلم‌های محبوب کمتر افراد معلول را در نقش کسی که کار می‌کند، یکی از اعضای خانواده است، عاشق است و یا در هر نقش دیگری که معمولاً به افراد غیرمعلول داده می‌شود، نشان می‌دهند» (۵).

دربارهٔ چهارچوب مفهومی پژوهش باید ذکر کرد، ازآنجاکه این پژوهش به‌صورت کیفی انجام گرفت، دو نظریهٔ «داغ ننگ»[1] و «استفاده و رضامندی»[2] به‌عنوان چهارچوب مفهومی پژوهش انتخاب شد. گافمن نظریهٔ داغ ننگ را در سال ۱۹۶۳ مطرح کرد. این نظریه «داغ ننگ» را به سه قسمت اساسی تقسیم می‌کند: نخست اختلالات ظاهری؛ دوم افراد با شخصیت‌های ننگین؛ سوم داغ ننگ‌های قومی و نژادی و دینی. ازآنجاکه گزینهٔ اول یعنی اختلالات ظاهری به‌طور مستقیم به موضوع و اهداف این پژوهش مربوط است، این نظریه برگزیده شد (۶).

عباداللهی و همکاران با در پژوهشی با عنوان «داغ ننگ و هویت اجتماعی: بررسی موردی عوامل اجتماعی داغ ننگ زننده بر افراد دارای معلولیت جسمانی آشکار در شهر رشت»، با مدنظرداشتن نظریهٔ «داغ ننگ» دربارهٔ این نظریه مرقوم کردند، بعضی افراد در جامعه تفاوت‌هایی دارند که برای ما برجسته است و اینکه ما دربرابر این تفاوت‌ها و افرادی که این تفاوت‌ها را دارند با احساسات واکنش نشان می‌دهیم، این احساسات گاهی مثبت است؛ اما اغلب منفی، آسیب‌رسان و پیشگیرانه است (۷). گافمن در مقام نظریه‌پرداز در پژوهشی با نام «انتخاب ننگ» که در کتاب *خوانش مطالعات معلولیت* منتشر شد، نوشت: ننگ نگرشی به‌شمار می‌رود که فردی را در طبقه‌بندی اجتماعی گوناگون با دیگران متفاوت می‌کند. ننگ به شخص برچسب می‌زند یا وضعیت اجتماعی او را تغییر می‌دهد. ننگ گاهی معلولیت نام دارد و شامل هویت مجازی و هویت واقعی می‌شود؛ چیزی است که داغ ننگ به آن اطلاق شده است (۶). براساس این نظریه می‌توان نتیجه گرفت،

[1]. Hot Stigma Theory

[2]. Use and Gratification Theory

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-09]

حضور افراد دارای معلولیت در فضای رسانه‌ای کشور اعم‌از خبرگزاری‌ها، رادیو و تلویزیون و سینما و تئاتر (و سایر رسانه‌های رسمی) به‌صورت جدی احساس نشده یا بسیار کم‌رنگ بوده و منجربه فرهنگ‌سازی نشده است.

نظریهٔ دیگری که در این پژوهش در نظر گرفته شد، نظریهٔ استفاده و رضامندی بود. این نظریه برای نخستین‌بار توسط کاتز و بلامر[1] در سال ۱۹۷۴ مطرح شد. در تعریف این نظریه باید گفت، مخاطبان رسانه‌های مختلف در چهارچوب این نظریه، فعال انگاشته شده‌اند و مخاطب براساس نیاز و احساس رضایتمندی و خشنودی‌اش از محتوای رسانه‌ها درمعرض رسانه‌ها قرار گرفته است. مفروضهٔ اصلی این نظریه، فعال و آگاه‌بودن مخاطب است. به‌عبارت‌دیگر مخاطب براساس سلیقه، علایق، نیازها و خواسته‌های خود از رسانه‌ها بهره‌مند می‌شود (۸). کاتز و همکاران در تعریف این نظریه بیان کردند، اساس رویکرد استفاده و رضامندی، ارضای نیاز اجتماعی و روان‌شناختی افراد است و رسانه‌های جمعی از این طریق با دیگر منابع رقابت می‌کنند (۸). رضایت می‌تواند از محتوای یک رسانه یا از یک نوع برنامه مثل تماشای سریال‌های خانوادگی یا از مواجههٔ عمومی با رسانه مثل تماشای تلویزیون به‌دست آید.

اخگری و همکاران در پژوهشی با عنوان «مطالعهٔ الگوی برنامه‌سازی مطلوب در رادیو جاده با بهره‌گیری از ظرفیت فناوری‌های نوین رسانه‌ای»، از این نظریه به‌منظور استغنای پژوهش مذکور استفاده کردند و دربارهٔ این نظریه نوشتند: «نظریهٔ استفاده و رضامندی نیازهای فردی را مدنظر قرار می‌دهد. برمبنای این نظریه، استفاده از رسانه به رضایت، نیاز، آرزو یا انگیزه‌های مخاطبان بستگی دارد. انتخاب رسانه و محتوا عموماً فعالیتی عقلانی و معطوف به اهداف و خرسندی‌های خاص است؛ پس مخاطبان فعال هستند. برآورده‌ساختن نیازهای مخاطبان رضایتمندی آنان را موجب می‌شود» (۹).

باتوجه به این نکتهٔ مهم که میزان استفادهٔ افراد دارای معلولیت از رسانه‌هایی مانند شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان مؤلف رو به افزایش است و موجب رضایتمندی این قشر می‌شود، نظریهٔ مذکور برای استغنای مفهومی این پژوهش در نظر گرفته شد. شایان ذکر دوباره است که وجود رسانه‌های گسترده و نبود بازنمایی صحیح افراد دارای معلولیت در رسانه‌ها به‌منظور استفادهٔ بهینهٔ این قشر از فضای رسانه‌ای کشور، باعث شد تا این مطالعه برای بررسی چگونگی بازنمایی افراد دارای معلولیت در رسانه‌های ایران انجام شود؛ ازاین‌رو، پژوهش حاضر با تحقیق دربارهٔ رسانه‌هایی مانند خبرگزاری‌ها، تئاتر و سینما، رادیو و تلویزیون، سعی بر آن داشت تا به شناخت بازنمایی افراد دارای معلولیت در رسانه‌های ایران بپردازد.

۲ روش‌بررسی

رویکرد این پژوهش کیفی بود و از روش گراندد‌تئوری کلاسیک [2] (داده‌بنیاد) استفاده شد. این روش بنا بر شهادت خبرگان حوزهٔ ارتباطات و رسانه، روشی مناسب برای موضوعات مربوط به هنر و رسانه و علوم انسانی است؛ به‌طوری‌که توکلی و همکاران در پژوهشی با عنوان «ارائهٔ الگویی از استراتژی‌های رسانه‌ای در توسعهٔ منابع انسانی سازمان‌های نفتی با استفاده از نظریهٔ داده‌بنیاد»، دربارهٔ انتخاب این نظریه نوشتند: «علت استفاده از این روش آن بود که در زمینهٔ استفاده‌های رسانهٔ توسعهٔ انسانی سازمان‌های نفتی ما نظریهٔ بومی نداریم و به همین سبب از این روش تحقیق استفاده شد. در این روش با استفاده از مصاحبه‌ها اطلاعاتی از خبرگان و متخصصین فعال در این حوزه جمع‌آوری شده و در چند طبقه دسته‌بندی می‌گردد» (۱۰).

نخستین بار این روش توسط گلیزر و اشتراوس در سال ۱۹۶۷ به جامعهٔ تحقیقاتی معرفی شد (۱۱). گلیزر و اشتراوس نظریهٔ گراندد‌تئوری کلاسیک را این‌گونه تبیین کردند که به‌وجودآوردن نظریه به‌صورت استقرایی و ازطریق تحلیل کیفی داده‌های کیفی و/یا کمی صورت پذیرفته است (۱۱). به‌نظر گلیزر و اشتراوس، تئوری داده‌بنیاد براساس تولید سیستماتیک نظریه از داده‌ها بنا شد که خود آن به‌صورت سیستماتیک از تحقیق اجتماعی به‌دست آمد (۱۱).

اشتراوس و کوربین در سال ۱۹۹۴ در تعریفی مشابه گراندد‌تئوری را این‌گونه تبیین کردند که منظور از تئوری داده‌بنیاد، نظریهٔ برگرفته از داده‌هایی است که در طی فرایند پژوهش به‌صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که درنهایت از داده‌ها استنتاج می‌شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند. پژوهشگر به‌جای اینکه مطالعهٔ خود را با نظریهٔ از پیش تصورشده‌ای آغاز کند، کار را با حوزه‌ای مطالعاتی خاص شروع می‌کند و اجازه می‌دهد تا نظریه از داده‌ها پدیدار شود. نظریهٔ برگرفته از داده‌ها درمقایسه با نظریه‌ای که حاصل جمع‌آمدن سلسله‌ای از مفاهیم براساس تجربه یا تأملات صرف است، با احتمال بیشتری می‌تواند نمایانگر واقعیت باشد؛ همچنین به‌دلیل اینکه نظریه‌های زمینه‌ای از داده‌ها استنتاج می‌شوند، می‌توانند با ایجاد بصیرت و ادراک عمیق‌تر، رهنمود مطمئنی برای عمل باشند (۱۲).

نظریهٔ داده‌بنیاد یا گراندد‌تئوری جزو روش‌های کیفی به‌شمار می‌رود؛ بنابراین در این پژوهش، ابزار غالب برای گردآوری داده‌های مصاحبه بود. مصاحبه به‌شکل عمیق و نیمه‌ساختاریافته انجام پذیرفت؛ ازاین‌رو در مرحلهٔ نخست به طرح پرسش پرداخته شد. پس از گردآوری اطلاعات، اطلاعات به‌دست‌آمده به‌عنوان داده‌ها کدگذاری شد که به سه شکل کدگذاری باز و کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی صورت گرفت. درنهایت پس از کدگذاری به تحلیل نهایی اطلاعات پرداخته شد و نتیجهٔ نهایی در قالب زیرمضمون‌ها و مضمون‌های اصلی ارائه شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت هدفمند بود. افرادی که به‌عنوان خبرگان رسانه در نظر گرفته شدند، همگی دارای تحصیلات یا فعالیت‌های رسانه‌ای طولانی‌مدت (بعضی بیش از ده سال) بودند؛ ازاین‌رو می‌توان گفت، در نمونه‌گیری هدفمند از تکنیک نمونه‌گیری فرد ماهر استفاده می‌شود.

از تکنیک مثلث‌سازی نظریه‌ای نیز برای ارتقای اعتماد در این پژوهش استفاده شد و درعمل دو نظریهٔ «برچسب‌زنی» و «استفاده و رضامندی»

[1]. Katz & Blumer

[2]. Classic Grounded Theory

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-09]

به‌کار رفت که پیش‌تر دربارهٔ این دو نظریه توضیح داده شد. در علوم اجتماعی، مثلث‌سازی از زمان کمپل و فیسکل[1] (۱۹۵۹) رواج یافت و با وب[2] (۱۹۶۶) ادامه یافت و توسط دنزین[3] (۱۹۷۰) فراتر از ارتباط مرسوم آن با روش‌های تحقیقاتی و طراحی‌ها، شرح داده شد (۱۳). بیسمین و رحمان با بررسی روش تحقیق مثلث‌سازی به‌عنوان روش تحقیق در علوم اجتماعی، در تعریف مثلث‌سازی نوشتند، مثلث‌سازی فرایند نوعی بررسی بوده که باعث رشد اعتبار ازطریق چندین نظر و روش شده است. در علوم اجتماعی، مثلث‌سازی شامل تلفیق دو یا چند نظریه، منبع اطلاعاتی، روش‌ها یا محققان در مطالعهٔ پدیده‌ای واحد برای همگرایی به‌سوی سازه‌ای واحد است. مثلث‌سازی می‌تواند در روش کمی و کیفی اعمال شود (۱۳)؛ ازاین‌رو با استفاده از تکنیک مثلث‌سازی و با انجام مصاحبه‌های بیشتر و مراجعه به اسناد موجود، روایی تحقیق تضمین شد.

۳ یافته‌ها

ازآنجاکه روش تحقیق در این پژوهش کیفی بود، از ابزار مصاحبهٔ عمیق نیمه‌ساختاریافته برای نیل به هدف نهایی پژوهش استفاده شد. مصاحبه‌های انجام‌شده با یازده تن از متخصصان و کارشناسان رسانه صورت پذیرفت. در این پژوهش افراد دارای مدرک کارشناسی‌ارشد یا بیشتر مرتبط با علوم ارتباطات و رسانه یا حداقل ده سال سابقه در زمینهٔ فعالیت‌های رسانه‌ای در سپهر رسانه‌های کشور، به‌عنوان کارشناس و خبرهٔ رسانه تلقی شدند و انتخاب آن‌ها برای انجام مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت. تمامی مصاحبه‌شوندگان مرد بودند. افراد منتخب بین چهل‌وپنج تا شصت سال سن داشتند.

لازم به ذکر است، در این مصاحبه‌ها سه پرسش محوری در زمینهٔ نحوهٔ بازنمایی افراد دارای معلولیت در رسانه‌های ایران از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد. مصاحبه‌ها با سؤالاتی درخصوص تأسیس شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی مختص به افراد دارای معلولیت، نقش خبرگزاری‌ها در پوشش اخبار و ارتقای شرایط اجتماعی افراد دارای معلولیت و نیز نقش سینما و تئاتر به‌عنوان هنرهای نمایشی از نخبگان رسانه پیگیری شد.

همان‌گونه که قبلاً شرح داده شد، برای طبقه‌بندی داده‌های برگرفته از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته، کدگذاری به‌کار رفت. در مرحلهٔ نخست کدگذاری (کدگذاری باز)، گردآوری نکات و عبارات کلیدی پاسخ‌ها به‌طور مبسوط صورت گرفت. در مرحلهٔ دوم کدگذاری (کدگذاری محوری) رئوس مهم و با بسامد تکرار زیاد در مصاحبه و مرحلهٔ اول کدگذاری غربال شدند و مفاهیم کلی‌تر و عمومی‌تر به‌عنوان مفاهیم محوری‌تر انتخاب شدند. در مرحلهٔ سوم (کدگذاری گزینشی)، مجموع مصاحبه‌ها که با سه سؤال اصلی انجام پذیرفت، در قالب سه مفهوم کلی تبیین شدند.

در انتها نتیجهٔ مصاحبه‌ها برمبنای نظریهٔ داده‌بنیاد به سه شکل مقوله و زیرمقوله و کد ارائه شد. با جمع‌بندی مکرر کدها، زیرمضمون‌ها (زیرمقوله) ظاهر شدند که از درهم‌آمیزی آن‌ها مقوله‌های اصلی ظهور یافتند. درمجموع سیزده زیرمقوله و شش مقولهٔ اصلی حاصل شد. جدول ۱ به بیان کدها و زیرمقوله‌ها و مقوله‌های اصلی اختصاص یافته است.

جدول ۱. کدگذاری سه‌گانهٔ مضمون (مقوله) و زیرمضمون (زیرمقوله) و کد

کد	زیرمضمون (زیرمقوله)	مضمون (مقوله)
شناسایی نیازهای رسانه‌ای افراد دارای معلولیت مطالعات پژوهشی و میدانی دربارهٔ زندگی افراد دارای معلولیت	هدف‌گذاری رسانه‌ای و شناسایی نیازها	سیاست‌گذاری رسانه‌ای
لزوم توجه رسانه‌های کشور به افراد دارای معلولیت استفاده از رسانه‌ها برای پیشبرد اهداف افراد دارای معلولیت در جامعه	هدف‌گذاری و ارائهٔ چشم‌انداز	
آشنایی با موارد درمان افراد دارای معلولیت تعیین و طبقه‌بندی نیازهای افراد دارای معلولیت	دسته‌بندی نیازهای افراد دارای معلولیت	شناسایی نیازها
نیاز به مراقبت بیشتر برای افراد دارای معلولیت تسریع امور اجتماعی افراد دارای معلولیت	رفع نیازهای افراد دارای معلولیت	
استفاده از هنرمندان معلول در رسانه برگزاری جشنواره‌های سینما و تئاتر با موضوع افراد دارای معلولیت	رفع تبعیض‌ها	آموزش عمومی
افراد دارای معلولیت به‌عنوان اعضای جامعه همکاری نهادهای متولی امور افراد دارای معلولیت با صاحبان رسانه	آگاه‌سازی و تغییر نگرش نسبت به معلولیت	
ارتباط با انجمن‌های افراد دارای معلولیت		
افزایش روحیهٔ استقلال در افراد دارای معلولیت مشارکت افراد دارای معلولیت در تولیدات نمایشی	بازیابی هویت افراد دارای معلولیت	آموزش افراد دارای معلولیت
تولید محصولات نمایشی با محوریت زندگی افراد دارای معلولیت		
استفادهٔ افراد دارای معلولیت از هنر برای به‌نمایش گذاشتن چهرهٔ دیگری از معلولیت	نمایش آثار آموزنده و امیدبخش به افراد دارای معلولیت	

1. Campbell & Fiskel
2. Web
3. Denzin

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-09]

انتشار قوانین اختصاصی افراد دارای معلولیت انتشار نقاط قوت و ضعف افراد دارای معلولیت	ایجاد زیرشاخه‌های خبری اختصاصی افراد دارای معلولیت	بازتاب اخبار افراد دارای معلولیت
تأسیس خبرگزاری‌های اختصاصی افراد دارای معلولیت ایجاد شبکهٔ تلویزیونی برای افراد دارای معلولیت	تأسیس رسانه‌های اختصاصی افراد دارای معلولیت	
استفاده از مولتی‌مدیا در انتشار اخبار افراد دارای معلولیت انتشار اخبار امیدبخش	انتشار اخبار افراد دارای معلولیت	
ساخت پردیس سینمایی اختصاصی افراد دارای معلولیت مناسب‌سازی سینماها و آمفی‌تئاترها برای افراد دارای معلولیت	امور سخت‌افزاری	گسترش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رسانه‌های نمایشی برای افراد دارای معلولیت
مناسب‌سازی برنامه‌های هنری (فیلم برای نابینایان و رابط و زیرنویس فیلم برای ناشنوایان) تولید برنامه‌های هنری نمایشی برگزاری جشنواره‌های هنری افراد دارای معلولیت	امور نرم‌افزاری	

رئوس مهم مستخرج از کدگذاری گزینشی مؤید سیاست‌گذاری و تعیین چشم‌انداز رسانه‌ای برای افراد دارای معلولیت، بازتاب اخبار مربوط به این قشر از جامعه و استفاده از هنرمندان و دست‌اندرکاران دارای معلولیت در هنرهای نمایشی سینما و تلویزیون بود که شرح مبسوط‌تر آن در قسمت بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است. بنا بر یافته‌های به‌دست‌آمده ازطریق مصاحبهٔ عمیق، وجود افراد دارای معلولیت و مفاهیم بازتاب‌دهندهٔ مفهوم معلولیت، در سپهر رسانه‌ای کشور می‌تواند چهرهٔ صحیحی از معلولیت را در رسانه‌های انتخاب‌شده به‌نمایش بگذارد.

۴ بحث

این پژوهش در راستای بازنمایی چهرهٔ افراد دارای معلولیت در رسانه‌های ایران صورت پذیرفت. نتایج پژوهش نشان داد، بازنمایی مسائل و مشکلات و موفقیت‌های افراد دارای معلولیت در رسانه‌های برگزیده در این تحقیق، منجربه ارائه و بازنمایی تصویری صحیح‌تر از این‌گونه افراد در قالب رسانه‌ها می‌شود.

اسدیان و همکاران با بررسی بازنمایی وضعیت افراد دارای معلولیت در سینمای قبل و بعد از انقلاب، توجه به ابعاد مختلف معلولیت و واکاوی نگرش‌های درونی افراد دارای معلولیت را از ویژگی‌های اساسی بازنمایی معلولیت در سینمای بعد از انقلاب به‌ویژه در دههٔ شصت توصیف کردند (۱۴). منتظر قائم و رمضانی با ارزیابی فیلم شهر زیبا به کارگردانی اصغر فرهادی دریافتند، کارگردان به‌خوبی توانسته است مشکلات و مسائل اجتماعی افراد دارای معلولیت را به تصویر بکشد. در این پژوهش نتیجه‌گیری شد، زنانی که این فیلم را دیده‌اند، از آن ابراز نفرت کرده و بیان کرده‌اند، این فیلم افراد دارای معلولیت را تحقیر کرده است (۱۵). بیسوال در پژوهش خود با بررسی بازنمایی نقش زنان دارای معلولیت در سینمای هند (بالیوود) به این نتیجه رسید که ساختار سینمای مدنظرش با تحول عظیمی روبه‌رو شده است. فیلم‌های بررسی‌شدهٔ این پژوهش از منظر محقق توانستند به ترویج حقوق انسانی و آگاه‌سازی اجتماعی دست یابند (۱۶)؛ درنتیجه بازنمایی معلولیت یا ناتوانی در آثار نمایشی مانند سینما و تلویزیون توانست منجربه تغییر نگرش عمومی دربارهٔ شرایط اجتماعی افراد دارای معلولیت شود. قاسمی و همکاران با بررسی پوشش اخبار ورزشی افراد دارای معلولیت و دیگر افراد دریافتند، به‌دلیل وجودنداشتن لیگ حرفه‌ای در ورزش افراد دارای معلولیت در کشور، پوشش اخبار ورزش این‌گونه افراد بسیار محدود است (۱۷). ایمانیان و همکاران به ارزیابی ضعف پوشش اخبار ورزشی افراد دارای معلولیت پرداختند. آن‌ها از دلایل این ضعف رسانه‌ای به عواملی مانند نبود لیگ‌های ورزشی منظم برای افراد دارای معلولیت، وجودنداشتن امکانات ورزشی برای این‌گونه افراد، وجودنداشتن امکانات ورزشی مناسب افراد دارای معلولیت، نبود سود اقتصادی در ورزش افراد دارای معلولیت و وجودنداشتن مدیریت صحیح در ورزش افراد دارای معلولیت اشاره کردند (۱۸).

بنابر آنچه بیان شد، پوشش اخبار افراد دارای معلولیت چه در زمینهٔ ورزشی و چه در زمینه‌های دیگر می‌تواند موجب فرهنگ‌سازی برای این‌گونه افراد در سطح جامعه شود.

از دیگر عناصر مهم در بازنمایی صحیح چهرهٔ افراد دارای معلولیت در رسانه‌ها، سیاست‌گذاری رسانه‌ای بود که به آن اشاره شد. روشندل اربطانی در پژوهش خود سیاست‌گذاری رسانه‌ای را جدا از سیاست‌های کلی جامعه ندانست. وی دو رویکرد کلی درقبال سیاست‌گذاری رسانه‌ای قائل بود: نخست اینکه رسانه قابلیت سیاست‌گذاری دارد و البته نقش دولت‌ها و حاکمیت‌ها در آن بسیار حائز اهمیت است؛ دوم پیشرفت‌های فناوری در حوزهٔ ارتباطات و رسانه است که رسانه‌ها را غیرقابل سیاست‌گذاری معرفی می‌کند (۱۹).

سلطانی و دیگران در پژوهشی ضمن بررسی سیاست‌گذاری رسانه‌ای درقبال افراد دارای معلولیت ذکر کردند، افراد دارای ناتوانی، انجمن‌ها و سازمان بهزیستی برای جلب توجه سیاست‌گذاران حوزهٔ رسانه‌های مختلف نیاز به افزایش ضریب نفوذ دارند. برگزاری کمپین‌ها، استفاده از افراد برجسته و مشهور، استفاده از مدیران باتجربه و استفادهٔ هدف‌دار و نظام‌مند از ظرفیت‌های رسانه به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی در افزایش توجه سیاست‌گذاران رسانه به افراد دارای معلولیت نقش مهمی دارند (۲۰)؛ بنابراین سیاست‌گذاری اصحاب رسانه‌های مختلف از ارکان بسیار مهم در بازنمایی افراد دارای معلولیت تلقی شد و توانایی ترمیم تصورات عمومی درقبال این قشر از جامعه را داشت.

شناسایی نیازهای افراد دارای معلولیت در جامعه و نیز فرهنگ‌سازی

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-09]

عمومی توسط رسانه‌های جمعی از بایسته‌های رسانه‌ای افراد دارای معلولیت در جامعه است. به‌نظر دهشیری، رسانه به‌دلیل تعامل دوسویه و گسترده‌ای که با مردم (مخاطب) داشت، توانایی شناسایی نیازهای مخاطبان را دارا بود؛ همچنین به‌دلیل داشتن امکانات عمده برای انتقال اطلاعات، از قدرت فرهنگ‌سازی خوبی برخوردار بود (۲۱). اسماعیل‌پور و نقوی با بررسی دیدگاه دختران دارای معلولیت دربارهٔ روابط جنسی به این نتیجه رسیدند که ارائهٔ آموزش‌های همگانی در سطح جامعه برای آشنایی با معلولیت و نیازهای افراد دارای معلولیت بسیار مهم است و در درازمدت توانایی تغییر نگاه عموم جامعه را دربارهٔ نیازهای جنسی افراد دارای معلولیت، دارد (۲۲). رستگار خالد و کاوه در پژوهش خود ضمن بررسی بازنمایی سبک زندگی در فیلم‌های سینمایی دههٔ هشتاد هجری خورشیدی، سینما را به‌عنوان رسانه‌ای فراگیر، عمومی و درعین‌حال جریان‌ساز و فرهنگ‌آفرین توصیف کردند (۲۳)؛ ازاین‌رو می‌توان ذکر کرد، انطباق سینما به‌لحاظ نرم‌افزاری و سخت‌افزاری با شرایط افراد دارای معلولیت توانایی بهبود شرایط اجتماعی این قشر از جامعه را دارد. هالر به بررسی بازتاب اخبار افراد دارای معلولیت در رسانه‌ها پرداخت. او نتیجه گرفت، اگرچه بازتاب اخبار افراد دارای معلولیت در رسانه‌ها نقش بسزایی در ارتقای سطح اجتماعی این قشر از جامعه دارد، تعامل این‌گونه از افراد در قالب سازمان‌ها و انجمن‌ها با رسانه‌های خبری برای قرارگرفتن در جریان اصلی این‌گونه از رسانه‌ها بسیار حائز اهمیت است (۲۴).

به‌طورکلی، باتوجه به مطالب و مؤلفه‌های بیان‌شده، نتایج پژوهش حاضر نشان داد، بازنمایی معلولیت در سپهر رسانه‌ای کشور به‌خصوص رسانه‌های مدنظر این پژوهش، با درنظرگرفتن عناصری مانند شناسایی نیازهای افراد دارای معلولیت، تعیین چشم‌انداز رسانه‌ای، سیاست‌گذاری مدون در سازمان‌های رسانه‌ای مذکور، فرهنگ‌سازی صحیح و بازتاب اخبار مربوط به افراد دارای معلولیت، تغییر نگرش اجتماعی دربارهٔ افراد دارای معلولیت را ممکن می‌کند.

۵ نتیجه‌گیری

براساس نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های مطالعهٔ حاضر، رسانه‌ها با شناسایی نیازهای افراد دارای معلولیت، هدف‌گذاری و آموزش همگانی، آموزش به افراد دارای معلولیت، بازتاب اخبار این قشر از جامعه در قالب خبرگزاری‌های موجود و خبرگزاری‌های تخصصی افراد دارای معلولیت و نیز اصلاح و بهبود نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تولیدات سینمایی و هنرهای نمایشی، می‌توانند به‌شیوه‌ای مناسب مسائل، مشکلات، موفقیت‌ها و به‌طورکلی شرایط اجتماعی افراد دارای معلولیت را به‌طور مدون و مؤثر در قالب رسانه‌های مدنظر این پژوهش بازنمایی کنند.

۶ تشکر و قدردانی

نویسندگان از تمامی افرادی که در این پژوهش شرکت کردند، کمال سپاس و قدردانی را دارند.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیهٔ اخلاقی و رضایت از شرکت‌کنندگان

این پژوهش برگرفته از پایان‌نامهٔ مقطع دکتری علی عبدالصمدی با عنوان «الگوسازی جامع رسانه‌ای برای وضعیت اجتماعی افراد دارای معلولیت ایران» است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی تدوین شد. افراد شرکت‌کننده در مصاحبه‌های پژوهش با رضایت کامل شرکت کردند و اطلاعاتشان به‌صورت محرمانه نزد نویسندهٔ اول پژوهش حفظ شد.

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

دردسترس‌بودن داده‌ها و مواد

همهٔ مواد دردسترس تمامی نویسندگان قرار داشت و در صورت نیاز قابلیت ارائه به سایر پژوهشگران را دارد.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

منابع مالی

پژوهش حاضر کاملاً مستقل و بدون حمایت مالی سازمان یا مؤسسهٔ خاصی انجام شده است.

مشارکت نویسندگان

نویسندهٔ اول داده‌ها را گردآوری و طبقه‌بندی کرد. نویسندگان دوم و سوم در آنالیز و تحلیل داده‌ها نظارت داشتند. نسخهٔ نهایی این پژوهش به تأیید هر سه نویسنده رسید.

References

1. Gorji Azandariani A, Shirzad Nazarloo Z. The status of the rights of persons with disabilities in the field of urban rights. Strategic Studies of Public Policies. 2018;8(26):137–63. [Persian] http://sspp.iranjournals.ir/article_30330.html?lang=en
2. The Islamic Republic News Agency (IRNA). Mo'avene Sazman Behzisti: 450,000 ma'lul dar Iran jesmi va harekati hastand [Vice President of the Welfare Organization: 450,000 disabled people in Iran are physical and mobile] [Internet]. 2017. https://www.irna.ir/news/82667992/
3. Young Journalists Club. Amare daghigh shohada va janbazan sarasar keshvar cheghadr ast? [What is the exact number of martyrs and veterans across the country?] [Internet]. 2019. https://www.yjc.news
4. Karaduman İ. The effect of social media on personal branding efforts of top level executives. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2013;99:465–73. https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2013.10.515
5. Soltanifar M, Eftekhar P. Portrayal of disability in feature films, based on disability models. Cultural management. 2013;7(3):77–94. [Persian] https://jcm.srbiau.ac.ir/article_3310.html?lang=en
6. Goffmann E. Selections from stigma. In: Davis LJ; editor. The disability studies reader. Psychology Press; 1997.
7. Ebadollahi H, Piri A, Movaghar Narbin M. Stigma and social identity: the case of individuals with visible

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-09]

physical disabilities in Rasht. Iranian Journal of Social Problems. 2012;2(1):195–222. [Persian] https://ijsp.ut.ac.ir/article_24172.html?lang=en
8. Katz E, Blumler J, Gurvitch M. Use and gratifications research. The Public Opinion Quarterly. 1973;37(4):509–23.
9. Akhgari M, Khodadad A, Hamraz V. A study on the desired programming model in radio road using the capacity of new media technologies. Communication Research. 2020;27(2):9–30. [Persian] http://cr.iribresearch.ir/article_44490.html?lang=en
10. Tavakoli SS, Danaei A, Najafzadeh Shahry M. Provide a model of media strategies in the human resource development of oil companies using data theory. Strategic Studies in Petrolume and Energy Industry. 2021;12(48):56–71. [Persian] http://iieshrm.ir/article-1-1173-en.html
11. Glaser BG, Strauss AL. The discovery of grounded theory: strategies for qualitative research. Chicago; Aldine; 1967.
12. Strauss A, Corbin J. Grounded theory methodology: an overview. In: Denzin NK, Lincoln YS; editors. Handbook of qualitative research. California: Sage Pub; 1994.
13. Yeasmin S, Rahman KhF. Triangulation' research method as the tool of social science research. BUP Journal. 2012;1(1):154-63.
14. Assadian M, Amir Mazaheri AM, Kamali M. Social construction of disability in pre-revolutionary cinema and Iran's 60s (A case study of movies in the world was alien and a little bird of happiness). Middle Eastern Journal of Disability Studies. 2020;10:3. [Persian] http://jdisabilstud.org/article-1-1110-en.html
15. Montazer Ghaem M, Ramezani H. Tahlil daryafte afrad daraye malooliat az tasavir baznamei shode az anha dar film haye sinamei "ba takid bar film haye mim mesle madar, shahre ziba va zamani baraye doost dashtan" [An analysis of the disabled people's perception of the images representing them in the cinema]. Cultural Studies & Communication. 2015;10(37):43–66. [Persian]
16. Biswal SK. Representation of women with disabilities in Hindi cinema. Symbiosis. 2017;8(2):66–73.
17. Ghasemi H, Poursoltani Zarandi H, Soleimani HR. Comparing the situation of disabled and non-disabled people in the newspaper's coverage of Iran-e Varzeshi and Abrar-e Varzeshi. Communication Management in Sport Media. 2017;5(17):27–36. [Persian] https://sportmedia.journals.pnu.ac.ir/article_4430.html?lang=en
18. Imanian M, Heidari Nejad S, Khatibi A. Content analysis of sports media with disabled sports approach. Communication Management in Sports Media. 2015;3(10):42–52. [Persian] https://sportmedia.journals.pnu.ac.ir/article_2223.html?lang=en
19. Roshandel Arbatani T. Essential research in the field of theoretical concepts of media policy. Public Administration. 2015;7(3):481–504. [Persian] https://jipa.ut.ac.ir/article_56990.html?lang=en
20. Soltani S, Takian A, Akbari Sari A, Kamali M, Majdzadeh R, Karami Matin B. Disregarded health problems of people with disabilities: a qualitative study of policymakers' perspective. J Rehabil. 2019;20(2):136–49. [Persian] http://dx.doi.org/10.32598/rj.20.2.136
21. Dehshiri MR. Media and culture-building. Iranian Cultural Research. 2010;2(4):179–208. [Persian] http://www.jicr.ir/article_126.html?lang=en
22. Esmaeilipour M, Naghavi A. Untold stories of people living with a disability: the perspective of girls with a physical disability about sex. Research in Cognitive and Behavioral Sciences. 2020;10(1):47–58. [Persian] https://cbs.ui.ac.ir/article_25577.html?lang=en
23. Rastegarkhaled A, Kaveh M. The representation of life style in the 80′s cinema. Sociological Journal of Art and Literature. 2012;4(1):143–66. [Persian] https://jsal.ut.ac.ir/article_29538.html?lang=en
24. Haller B. Images of disability in news media: implications for future research. In: Annual Meeting of the National Communication Association [Internet]. Chicago; 1997. https://doi.org/10.13016/M27EY0-JL9J

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-10-09]